

مجیدرضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین:

واقعیت روابط اقتصادی ایران و چین باید روشن شود

مرتضی گل پور
خبرنگار



سهم ایران از تجارت خارجی چین (واردات و صادرات) نیم درصد، است، اما رابطه این دو با حساسیت به مراتب بیشتری در داخل یا خارج دنبال می شود. بحث اخیری که در پی اظهار نظر سخنگوی وزارت بهداشت در گرفت، این پرسش

را مطرح کرد که دلیل این حساسیت چیست یا واقعیت رابطه ایران و چین چیست؟ در این باره با مجیدرضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین گفت وگویی کوتاهی داشتیم که می خوانید.

■ رابطه ایران و چین امروز بر چه بستری جریان دارد؟

فارغ از همه مسائل سیاسی، امروز چین شریک تجاری نخست بیش از ۱۳۰ کشور در دنیا است که این امر حتی شامل آمریکا هم می شود، یعنی چین شریک تجاری نخست آمریکا هم هست. بنابراین ارتباط اقتصادی ایران و چین، ربط چندانی به سیاست ندارد. شاید سیاست روابط اقتصادی را تضعیف یا تشدید بکند، اما ماهیت اساسی رابطه ایران و چین، یک ماهیت اقتصادی است. حتی برخی معتقدند که اگر در کشور ما انقلاب نمی شد هم، امروز چین شریک تجاری نخست ایران بود.

■ به چه دلیل؟

با یک توضیح این واقعیت روشن می شود. در منطقه ما دو سیاست و دو اقتصاد هستند که کاملاً در اردوگاه غرب و آمریکا تعریف می شوند؛ یعنی عربستان سعودی و امارات. اما همین دو کشور در منطقه ما، شرکای اول و دوم اقتصادی چین هستند و ما شریک سوم تجاری چین در منطقه هستیم. به عبارت دیگر، حجم روابط اقتصادی عربستان و امارات با چین بیشتر از ما است.

■ بنابراین می شود گفت روابط چین با کشورها سیاسی یاایدئولوژیک نیست؟

به باور من ماهیت اقتصادی روابط این کشور با دنیا کاملاً بر سایر وجوه ارتباطی سطره دارد. البته این به معنای نفی روابط سیاسی نیست، اما واقعیت این است که اکثریت کشورهایی که چین شریک تجاری نخست آنان است، در اردوگاه غرب قرار می گیرند. مثلاً تایوان، کاملاً ضدچین شناخته می شود، اما یکی از شرکای اصلی چین است. یا ژاپن و کره جنوبی که در اردوگاه آمریکا هستند، شرکای تجاری اصلی چین هستند. خود آمریکا با حدود ۶۵۰ میلیارد دلار مبادلات تجاری حدود ۲۰ درصد تجارت خارجی چین با این کشور صورت می گیرد.

■ در این شرایط وضعیت ایران چگونه است؟

ببینید! چین امروز تاجراول در جهان است، از این منظر می توان گفت رابطه ما با چین چندان موضوعی سیاسی نیست، چه بسا موضوع، معمولاً اقتصادی است.

■ اما برخی منتقد گسترش روابط ایران و چین هستند.

ما بعد از انقلاب با آمریکا چار تنش شدیم، از این رو طبیعی است که در همه حوزه ها برای قدرتی که با ما مشکل دارد، جایگزینی پیدا کنیم. در جهان امروز وقتی آمریکا از هدف کنیم، چند کشور وجود دارند که بتوانند مستقل از آمریکا با کشورهای دیگر رابطه سیاسی و اقتصادی داشته باشند؟ تنها چین و روسیه می ماند که جایگاه و قدرت اقتصادی هر یک مشخص است. به باور من، مسئله ما چیز دیگری است، به این معنی که ما امروز در کشور خود نیاز داریم تا مشخص کنیم که شریک استراتژیک چیست، چه تعریف و چه جایگاهی در روابط خارجی ما دارد. شریک استراتژیک یعنی یک کشور با حفظ منافع ملی خود روابط همه جانبه برقرار می کند. امروز تنها کشوری در دنیا که ما توافقنامه همکاری در همه حوزه ها امضا کردیم، چین است، هر چند میزان اجرایی شدن این توافقنامه بحث دیگری است. خاصه اینکه چین تنها کشوری است که امکان ایجاد ارتباط همه جانبه میان ما و آن وجود دارد.

■ به نظر شما علت سوگیری برخی نسبت به چین چیست؟

برخی پیش فرض های غلط دارند. مثلاً فکر می کنند تجارت با ما چین رقم بزرگی در اقتصاد چین را شامل می شود، در صورتی که کمتر از نیم درصد تجارت خارجی چین (صادرات و واردات) با ایران است. برخی هم فکر می کنند که چینی ها از قبل ما خیلی می خورند که این هم باید برای مردم توضیح داده شود که واقعیت روابط ما با چین چیست. اگر این موارد به صورت شفاف برای مردم توضیح داده شود، بسیاری از سوء تفاهم ها حل می شود.

■ این بگویم که تأثیر در روابط دو کشور داشت؟

مطلقاً تأثیری نداشت. صدم اینکه ۳ ماه پیش پس از شیوع کرونا در چین، هم مقام های رسمی و هم مردم ما با مردم چین همدردی و اعلام همبستگی کردند. بعد از شیوع کرونا در ایران، چینی ها هم ابراز همدردی کردند. ما در ایام شیوع کرونا، نزدیک به ۲ میلیون ماسک برای این کشور ارسال کردیم، چینی ها هم در یک قلم حدود ۱۲ میلیون ماسک برای ما ارسال کردند. امشب (یکشنبه شب) هم هواپیمای دیگری کمک های جدید را از چین می آورد. قبل از کرونا، رابطه ایران و چین، رابطه سیاسیون و فعالان اقتصادی بود، اما امروز مردم دو کشور هم به هم نزدیک شدند.

نقد نگاه احساسی به رابطه با چین

برخورد احساسی و مقطعی با مقوله سیاست خارجی یک اشتباه استراتژیک و فاجشی است که متأسفانه در مقاطع مختلفی در سیاست خارجی ما هست. حال آنکه روابط را باید با اصل منافع ملی و شعار «هزت، حکمت و مصلحت ایران» سنجد و از نگاه ایدئولوژیک به سیاست خارجی پرهیز کرد.

در برابر تحریم های آمریکا و غرب معهود کشورهایی بوده اند که روابط تجاری خود با ما را علی رغم تحریم ها حفظ کرده اند. اگر چه طبیعتاً این کشورها هم در این بی اعتنائی به تحریم منافع ملی خود را دنبال کرده اند. بنابراین، این خود ما هستیم که باید حافظ منافع خودمان باشیم و اجازه ندهیم سیاست های اشتباه برای ملت هزینه تراشی کنند. جمهوری خلق چین از جمله کشورهایی است که روابط خود با ایران را حفظ کرده و در بسیاری از تنگناها و گرفتاری ها همراه ما بوده اند. براساس تجربه ایام بخصوص سال هایی که در شرکت مترو حضور داشته ام می گویم که چینی ها همکاری های خوبی داشتند، اگر چه منافع خودشان را در نظر می گیرند و گاه سیظنت هایی داشتند اما در برآیند باید گفت چین یکی از شرکای خوب ما بوده است. متأسفانه این روزها در فضای مجازی به دلیل اظهار نظرهایی بعضاً ناپخته فضا به سمتی هدایت شد که گویی ما کشور را در اختیار کشور دیگری قرار داده ایم و ما منافع خودمان را ذبح کرده ایم. دیدگاه هایی که منبعث از فضای هیجانی و احساسی است که غلبه پیدا می کند. فراموش نکنیم بسیاری از کشورهایی که بعد از برجام همکاری شان با ما را از سر گرفتند بلافاصله بعد از خروج آمریکا از برجام ما را تنها گذاشتند. چین یکی از معدود کشورهایی بود که اینگونه عمل نکرد. در نتیجه نباید فریب جریان سازی های مرموز را خورد و روابطی را که بر خلاف منافع ملی کشورمان نیست منکوب کرد.

کارشناسان ارزیابی می کنند

روابط ایران و چین – جنجال دوقطبی های احساسی – سیاسی



تعیین چارچوب روابط خارجی بر اساس منافع ملی

جمهوری اسلامی برای کمک به این کشور پیشقدم شد و مردم ایران، دولت ایران و شرکتهای ایرانی کمک های خوبی به چین انجام دادند. متقابلاً وقتی این ویروس در ایران شیوع پیدا کرد دولت چین نیز در کنار بیش از ۳۰ کشور، سازمان بین المللی، سازمان های مردم نهاد و ایرانیان مقیم خارج از کشور، در کنار جمهوری اسلامی قرار گرفت. جمهوری اسلامی به همین منظور از چین قدردانی کرد، چنانکه قدردان دیگر کشورهای منطقه و حتی کشورهایی بود که در شرایط فعلی روابط خوبی با ایران ندارند. در شرایط کنونی، ریشه کن کردن کرونا نیازمند همبستگی جهانی و همکاری و تعامل همه کشورها است و بی تردید در این مسیر، تأمین منافع ملت و مقابله مؤثر با این بیماری فراگیر، خارج از چارچوب مناسبات مبتنی بر تدبیر و تکریم نخواهد بود و چراغ راهنمای آن، تأمین منافع بحق ملت ایران است.

استقلال هر کشوری مغایر تعامل و ارتباط سازنده با سایر کشورهای جهان نیست و تنها منافع ملی و رفتار متقابل، چارچوب این ارتباط را مشخص می کند. هر کشوری در شمال، جنوب، شرق و غرب عالم که با زبان تکریم با ملت بزرگ ایران سخن گوید و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ما را محترم شمرّد مورد تکریم متقابل ماست. عمل متقابل کلید روابط خارجی است. در همین چارچوب، روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران متوازن است و تلاش کرده که این مناسبات متوازن جلوه گیری از گشوده شدن پرونده دیگر ادعایی از سوی آمریکا در شورای امنیت علیه ایران و از سوی دیگر کمک های اقتصادی، امنیتی و سیاسی در سطح منطقه ای و بین المللی به ایران می باشد.

فارغ از مخالفت های تند هند مقام های چین و روسیه در محافلی چون نشست شورای حکام آژانس با ادعاهای جدید علیه برنامه های هسته ای ایران، تا اینجا کار دولت چین وارد گشت وگو با شرکت های این کشور برای ماندن در بازار ایران شده و روسیه قول داده تحریم های بخش بانکی ایران را نادیده بگیرد. خاصه آنکه چین خود بر سر تعرفه های وارداتی آمریکا با این کشور درگیر است و می تواند نقشی تعیین کننده در کمک به تهران و کاهش فشار اقتصادی آن داشته باشد. بنابراین روابط ایران، چین و روسیه نشان دهنده افزایش ارتباطات موجود میان سه کشور و همگرایی آنها در یک سری تمایلات و تحولات از جمله مخالفت فرانیزه با سیاست فشار حداکثری ترامپ است که این مناسبات با توجه به برگزاری اولین رزمایش دریایی مشترک این سه کشور در اقیانوس هند

این چین، چین دهه ۱۳۶۰ نیست

عالم سیاست عالم امکان هاست. کشورها سیاست خود را بر اساس میزان قدرتی که دارند تنظیم می کنند. واقعیت این است که هم نظام بین الملل و هم جایگاه چین در آن در سه دهه گذشته تغییر کرده است. ما از دوران «ساعت چینی های ۱۰-تومانی» دهه ۱۳۶۰ به عصری رسیدیم که چین موشک به فضا می فرستد و آخرین نسل اینترنت گوشی همراه را در دنیا عرضه می کند و اصلی ترین رقیب آمریکا در اقتصاد و فناوری هوش مصنوعی و خیلی چیزهای دیگر شده است. باور خیلی از ما ایرانی ها درباره دنیا و چین تغییر چندانی نکرده اما چین خیلی تغییر کرده است. این یک واقعیت است، چه نخواهیم و چه ناهویم. چه دوست داشته باشیم، چه دوست نداشته باشیم. سیاست بین الملل تابع احساسات و دوست داشتنی نیست. چینی ها با ادب دیپلماتیک شرقی خود واقعیت های تلخی را به ما گفته اند. اینکه در موضوع هسته ای نمی توانند به خاطر ایران با آمریکا مقابله کنند، اینکه باز گتان ایرانی هستند که چینی کم کیفیت چینی سفارش می دهند، اینکه قدرت یابی با صبر و حوصله میسر است و اینکه انسان شرقی در کشورداری چیزی کم از غرب ندارد. در بحران کرونا هم چین نشان داد این حرف خیلی از تحلیلگران غربی درست بود که برای



عبدالرحمان
غوربانی
نایب وزیر امور خارجه

چین کارآمدی شاید مهم تر از دموکراسی است. البته ممکن است ان قلت هایی هم درباره عملکرد دولت چین در مواجهه با کرونا وجود داشته باشد، اما به قول مولانا نباید به جای ماه پر انگشت اشاره کننده خیره ماند. آن ماه همانا پیشرفت های خیره کننده چین در چند دهه گذشته و به چالش کشیدن الگوهای کشورداری رایج است. البته چین نیمه تار یک هم دارد، همان طوری که اروپا و آمریکا هم نیمه تاریک داشتند و دارند. مگر فراموش کرده ایم انگلستان در قرن هجدهم چگونه با کار کودکان و اجحاف در حق کارگران پیشرفت کرد. آیا آلمان ناگهانی وارد لیبرال دموکراسی باثبات شد؟ البته که دوست داریم پیشرفت و دموکراتیزاسیون با کمترین هزینه باشد اما تاریخ بیانگر حقایق تلخ دیگری است. وقتی زاویه دید خود را تغییر دهیم مسائل گونه دیگری جلوه می کنند. دید را زود باید به چین از زاویه دیگری نگاه کنیم. بیرونترینمسئله حاکم بر اندیشه برخی تحلیلگران ایرانی لاجرم باید تغییر است. چینی ها هنوز مثل آمریکایی ها دست وپایاز نیستند، بورس تحصیلی زیادی به خارجی ها نمی دهند، هالیوودی ندارند که تصویر چین را در ذهن جوانان رژیایی جلوه دهد. هنوز نظریه های چینی در علوم انسانی رایج نشده اند، هنوز حاکمیت قانون و ارزش های دموکراتیک و حقوق بشر در چین نهادینه نشده است اما چین تاکنون نشان داده صورانه گام برمی دارد و ای بسا بزودی این نواقص را هم جبران کند. البته در این مورد علامت سؤالی بزرگ نه تنها برای جهان بلکه برای خود چینی ها هم وجود دارد.

نقش چینی ها را در دوره تحریم از یاد نبریم

تحریم ها اولین و تنها اقدام آمریکایی ها علیه ایران نبوده و نیست. این کشور در تمام روابطی هم که با چند کشور دوست و همچنین همسایگان خود برقرار کرده ایم نظارت داشته و سعی در برهم زدن مناسبات موجود دارد. یکی از این کشورها، چین است. کشوری که در تمام سال های تحریم و بخصوص با تشدید آنها علیه کشورمان، سعی در بهبودی روابط خود با ایران کرده یکی از مسیرهای مهم روزن تحریم ها به حساب می آید.

امروزه حداقل مناسبات ما با کشور چین به بیش از ۴۰ میلیارد دلار در سال می رسد که چنین میزان ازی از تعاملات برای غربی ها و بخصوص آمریکایی ها قابل قبول نیست. با واکنش سفیر چین در تهران به انتقاد سخنگوی وزارت بهداشت ایران از نحوه اطلاع رسانی این کشور در مورد آمارهای اعلام شده در خصوص تلفات ویروس



مهدی
گالیباف
نایب وزیر امور خارجه

با کرونا بوده است در حالی که آمریکا در اعطای وام صندوق بین المللی پول به ایران هم سنگ اندازی می کند. منافع سیاسی و اقتصادی کشور و محاسبه سود و زیان است که دیپلمات ها را به تصمیم گیری وادار می کند. این گزاره اساسی در تصمیمات دولت روحانی با این پیش فرض معروف، نمایان شده است که در سیاست بین الملل چیزی به نام دوست و دشمن دائم وجود ندارد و محدوده دوستان و دشمنان را منافع ملی هر کشور مشخص می کند.

نزدیکی بیشتر ایران به چین و روسیه زمانی گسترده شد که تهران به واسطه پیشینه موفق خود در اعتماد سازی در برنامه های هسته ای اش، توانست سنگ بنای جدیدی را با شرکای شرقی خود و بر پایه محاسبه سود و زیان تبادلناش بگذارد. بنابراین تفسیر اشتباه از این روابط، حاصلی جز یک جدال فرسایشی داخلی و تضعیف قدرت چانه زنی دولت در صحنه بین المللی نخواهد داشت.

سودمندی های رابطه با قدرت دوم جهان

استقلال در روابط خارجی بخصوص بعد از انقلاب محور اصلی سیاست خارجی کشور ما قرار داشته است. در طول زمان روابط کشور ما با اغلب کشورهای جهان بر اساس منافع ملی مان توسعه یافت. از این میان تنها ارتباط با کشور آمریکا و نیز رژیم اسرائیل نه به عنوان کشور که به عنوان یک بازیگر منطقه ممنوع ماند. در همه این سال ها روابط ما با کشورها هیچگاه بر اساس کینه توزی های تاریخی نبوده است. در همین اساس است که با وجود جنگ هشت ساله



ابراهیم
رهنمونیفار
نایب وزیر امور خارجه

میان ایران و رژیم بعث عراق پس از پایان جنگ و با تحولات سیاسی که در بغداد رخ داد، عراق به یکی از نزدیک ترین متحدان منطقه ای مان تبدیل شد. این مصداق بارزی بود که نشان می داد یک جغرافیا، یک کشور و یک قطب قدرت نمی تواند برای همیشه دشمن یا دوست محسوب شود، بلکه روابط بر اساس وضعیت روز و آخرین تحولات و منافع متقابل شکل می گیرد. در حال حاضر ما در شرایط تحریمی هستیم که خواه نخواه خود را بر منظومه روابط ما با دیگران و دوری و نزدیکی مان از آنها تحمیل می کند و دست مان را برای بازی با کارت های مختلف می بندد. این یکی از اصلی ترین دلایل بد بودن تحریم و تأکید کارشناسان بر ضرورت اجتناب از شکل گیری آن بوده است. زیرا در شرایط تحریم ما ناچاریم که با تعداد کشورهای محدودتری روابط کاری و تجاری داشته باشیم. روابط ایران و چین، جز در آستانه انقلاب که سفر نخست وزیر چین به ایران منجر به شعارهای مخالف انقلاب شد؛ چار دهه گذشته همواره رو به توسعه بوده است. کما اینکه روابط تهران و پکن حتی در شرایط تحریمی از شرایط غیر تحریم نیز بهتر بوده است. بیش از ۱۰ سال است که چین شریک اول تجاری ما است. از نظر سیاسی نیز دو کشور هماهنگی هایی را در بسیاری از مسائل جهانی و منطقه ای داشته اند. در عین همکاری های ویژه از جمله همکاری های نظامی و امنیتی نیز روابط قابل قبولی وجود داشته است. چین در شرایط تحریم در حوزه روابط بانکی و مالی یک پنجره باز برای ایران بوده است. هر چند این تعاملات با نرخ و قیمت بالاتری انجام شده اما نمی توان چین را مقصر دانست و دلیل اصلی شرایط ناشی از تحریم است. چین در جهان کنونی از قدرت و وزن بالاتری حتی نسبت به روسیه برخوردار است. شاید بتوان گفت که پس از آمریکا، چین دومین قدرت بین المللی است. حال اینکه رقابت قدرت چین با آمریکا تا حد چه می تواند برای ما سودمند باشد بحث دیگری است. عقل سلیم در این شرایط حکم می کند که رابطه مان را با چین حتی بیش از گذشته تقویت کنیم. اما این به آن معنی نیست که روابط ارباب و رعیتی میان کشور ما با هر کشور دیگری حاکم باشد. زیرا اگر قرار بود تن به چنین روابطی بدهیم که رابطه ما با آمریکا می توانست سود بیشتری داشته باشد. پس نیاز نباید ما را به سمتی برد که امتیازات غیر قابل قبولی به طرف های مقابل مان بدهیم. طبیعتاً بازی روابط بین الملل بازی برد- برد است. چین و ایران هر دو در این رابطه منافع ملی خودشان را جست وجو می کنند و بر اساس عوامل متعددی که وجود دارد تا این لحظه کار با یکدیگر رضایت دارند و باید از رابطه شان با یکدیگر مراقبت کنند. در مجموع دو نکته برای ما به عنوان طرف ایرانی حایز اهمیت است: نخست آنکه لازم است در راستای باز ماندن این پنجره باز عمل کنیم و دچار محاسبات اشتباه نشویم. دیگر اینکه با تقویت رابطه مان با دیگر کشورها بتوانیم قدرت تعاملی خودمان با کشورهای بزرگ را تقویت کنیم تا از مونوپل شدن و منحصر شدن روابط مان جلوگیری کنیم و دست مان برای چانه زنی با هر کشوری باز باشد.